

همزمان با ورود به صحنه انتخابات هاشمی رفسنجانی در برابر قضاوت سخت وبی سابقه افکار عمومی قرار گرفت

مرا دوست ندارند. وی مثل همیشه خود را بر فراز جناح‌های سیاسی کشور نشانده و اعلام کرد به عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات شرکت می‌کند و «گروه‌ها» می‌توانند نام او را در لیست خود قرار دهند. با این حال معلوم بود که او چنین شعارهای دانشجویان را در گوش دارد و اعتماد به نفس همیشگی خود را از دست داده است. رفسنجانی پیرامون این که در این انتخابات نفر چندم خواهد شد، گفت: برداشتی از افکار عمومی ندارم، برای ادای تکلیف آمده‌ام! او کوشید «خدمات» دوران ریاست جمهوری خود را به نیروهای «چپ» یادآور شود تا از شدت مخالفت آنان با خود بکاهد. رفسنجانی گفت: تاریخ زندگی در سال‌های اخیر نشان داده که هر وقت هرچا بوده‌ام به همه گروه‌ها و سلیقه‌های مختلف احترام می‌گذارم و سعی می‌کنم از همه نیروها استفاده بشود. نمونه آن کاپیتان اولی بود که داشتم. از همه گرایش‌ها در آن حضور داشتم. وزیر کشور من ادامه در صفحه ۴

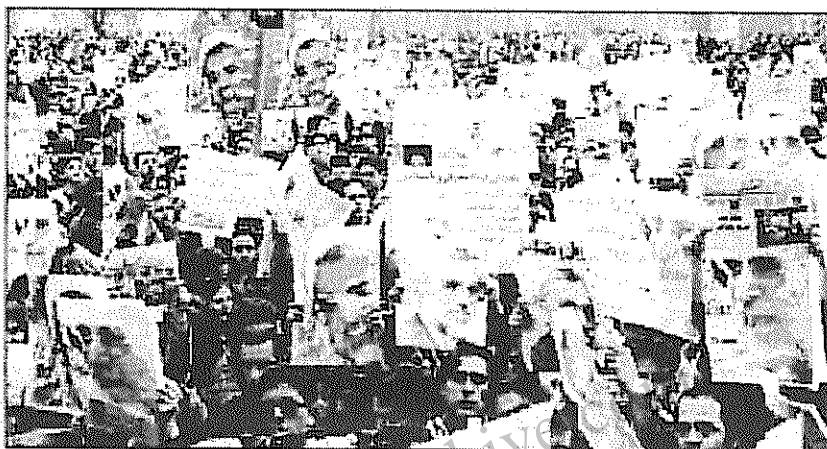
در همان روزهایی که دانشجویان به نحوی بی‌سابقه علیه هاشمی رفسنجانی شعار دادند و مخالفت خود را با او اعلام داشتند، وی در فرمانداری تهران حضور یافت و برای انتخابات مجلس ششم ثبت‌نام کرد. به این ترتیب به یک بازی خسته‌کننده و ناز و کرشه‌های چند ماهه پایان داده شد. رفسنجانی که تحت محافظت بسیار شدیدی به فرمانداری تهران آمده بود، پیرامون علت شرکت خود در انتخابات گفت: آنچه که مرا در این تصمیم قانع کرد این بود که دشمنان انقلاب که فعلا صدایشان از رادیوهای خارجی شنیده می‌شود و برای این انتخابات فکر نادرستی دارند به دلیلی دلشان می‌خواهد که من در این انتخابات نیاشم. رفسنجانی در حالیکه آشکارا مخالفین خویش را مورد نظر داشت افزود: آنچه که آخرین بار در تصمیم‌گیری من موثر بود شیطنت‌هایی بود که دیدم. کسانی هستند که دوست انقلاب نیستند. من نمی‌توانم بگویم که همه با من موافقت حتما کسانی که

ده‌ها تن از نویسندگان کشور در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه: آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همکاران رسانه‌ای آنان را در دادگاه علنی محاکمه کنید!

در صفحه ۳

دانشجویان در اعتراض به انحراف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای:

پرونده قتل‌ها در حال انحراف است، آمرین خبیث‌اش در معرض نجاتند!



هزاران دانشجو علیه سیاست دفع‌الوقت در رسیدگی به پرونده قتل روشنفکران حمله به کوی دانشگاه تهران و محاکمه و بازداشت آزادیخواهان اعتراض کردند

تظاهرات دانشجویی ۱۶ آذر با ضمانت نیروهای انتظامی از ورود دانشجویان به دانشگاه تهران، به تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران محدود ماند و گروه‌های وسیعی از دانشجویان سایر دانشگاه‌ها در پشت درهای بسته دانشگاه تهران ماندند و نتوانستند در مراسم گرامیداشت ۱۶ آذر شرکت کنند. این مراسم به دعوت دفتر تحکیم وحدت و تحت عنوان «نفی حق‌کشی و دفاع از روحانیون و دانشجویان» برگزار گردید. دانشجویان امسال برای گرامیداشت مراسم ۱۶ آذر با دشواری‌ها و موانع فراوانی روبرو بودند و علاوه بر آن در محیط دانشگاه‌ها محصور کردند و اجازه ندادند که دانشجویان اجتماع سراسری خود را برپا دارند. در اجتماع دانشگاه تهران بنا به نوشته روزنامه‌ها، بیش از پنج هزار نفر از دانشجویان این دانشگاه شرکت داشتند. بنا بر ادامه در صفحه ۲

شورای نگهبان «قلب» برنامه سوم توسعه را مخالف با قانون اساسی اعلام کرد روزنامه آزاد: در قانون اساسی بازنگری کنید!

عصر ما: دفاع از قانون اساسی یعنی دفاع از تمامیت آن

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع بزرگ و کلیدی را دارد. به دنبال اعلام نظر شورای نگهبان، روزنامه آزاد که از نظر اقتصادی مدافع «اقتصاد آزاد» است، در سرمقاله‌ای خواهان بازنگری در اصل ۴۴ قانون اساسی شد. این روزنامه نوشت: شورای نگهبان قلب لایحه برنامه سوم یعنی مواد مربوط به لغو انحصارات اقتصادی را تماما وتو کرد. هم رسماً و هم عملاً، چیزی از ماهیت این لایحه باقی نمانده و دولت اکنون تنها مختار و موظف به اجرای تعهدات فوق سنگین آن است. این روزنامه نوشت: برای پیشبرد زیست سیاسی - اقتصادی ایران در ابتدای هزاره سوم میلادی، بازنگری جامع در قانون اساسی و از جمله اصل ۴۴ آن، اینک یک ضرورت تعویق ناپذیر است.

شورای نگهبان برنامه سوم توسعه را که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسید است، دستکم در ۱۱ مورد مخالف با قانون اساسی و حاکمیت دولت بر صنایع بزرگ و کلیدی اعلام کرد. به گفته سخنگوی این شورا، بخش‌های فوق با اصل ۴۴ قانون اساسی مطابقت ندارد. آیت‌الله رضا آستادی به خبرنگاران گفت: بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار می‌داند، بخش صنایع مادر و بزرگ، بازرگانی خارجی و معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند آن در اختیار دولت است و در تعداد زیادی از مواد این لایحه، این اصل رعایت نشده است.

دفاع از تمامیت قانون اساسی
روزنامه عصر ما، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در مخالفت با این پیشنهاد، در سرمقاله آخرین شماره خود نوشت: دفاع از قانون اساسی، دفاع از تمامیت آن است. به نوشته عصر ما در پی تصویب لایحه برنامه سوم از سوی مجلس، شورای نگهبان نیز ادامه در صفحه ۵

قانون اساسی را بازنگری کنید!
هر چند برنامه سوم توسعه در هیاهوی مربوط به انتخابات مجلس ششم، توجه اندکی را برانگیخته است، اما کشاکش مهم تعیین‌کننده‌های پیرامون آن در جریان است و بخش طرفدار «اقتصاد بازار» جبهه دوم خرداد، مصرانه تقاضای لغو مواد قانون اساسی در زمینه محدودیت

وزارت کشور مانع برپایی گردهمایی اعتراضی کارگران شد

مقامات حکومتی بپردازد. سلب حق اعتراض کارگران به تضییق حقوق خویش و جلوگیری از مقابله مسالمت‌آمیز آنان با اعمال و اقدامات ضد کارگری و ناعادلانه از سوی هر مقام و نهادی که باشد، از سوی هر کشورمان از سوی محافظ ضد کارگری و سرمایه‌داری پدید آمده است. ولی آنچه که جای تامل فراوان دارد، موضع‌گیری وزارت کشور است که خود را مدافع توسعه سیاسی و حقوق شهروندی می‌خواند، اما مانع از اعتراض کارگران به سلب آشکار حقوق خود، آن هم از راهی کاملاً قانونی می‌شود. جلوگیری از اعتراض کارگران از سوی وزارت کشور، تنها این نظر را تأیید می‌کند که حق ابراز نظر و اجتماعات در ایران تنها زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که یا توسط جناح‌های حکومتی صورت گیرد و یا قرار باشد به تمجید و تعریف از

اعتراض در میان کارگران و شوراها و اسلامی کار را موجب شد. سلب حقوق قانونی و اولیه کارگران، طرح و تصویب قوانین ضد کارگری و تضییق دستاوردهای زحمتکشان کشورمان از سوی محافظ ضد کارگری و سرمایه‌داری پدید آمده است. ولی آنچه که جای تامل فراوان دارد، موضع‌گیری وزارت کشور است که خود را مدافع توسعه سیاسی و حقوق شهروندی می‌خواند، اما مانع از اعتراض کارگران به سلب آشکار حقوق خود، آن هم از راهی کاملاً قانونی می‌شود. جلوگیری از اعتراض کارگران از سوی وزارت کشور، تنها این نظر را تأیید می‌کند که حق ابراز نظر و اجتماعات در ایران تنها زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که یا توسط جناح‌های حکومتی صورت گیرد و یا قرار باشد به تمجید و تعریف از

به دنبال دعوت کانون عالی شوراها و اسلامی کار از کارگران برای تجمع اعتراضی در برابر دفاتر سازمان تامین اجتماعی در تهران و شهرستان‌ها برای روز یکشنبه گذشته، وزارت کشور جمهوری اسلامی شنبه ۲۷ آذر با انتشار اطلاعیه‌ای، تجمع کارگران را غیرقانونی اعلام کرد. وزارت کشور در اطلاعیه خود تأکید کرده است که هرگونه تجمع در مقابل دفاتر تامین اجتماعی فاقد جاهت قانونی بوده و وزارت کشور در این خصوص موافقتی به عمل نیآورده است. دعوت به گردهمایی اعتراضی کارگران، در اعتراض به عدم پرداخت بیمه کارگری به گروهی از کارگران از سوی سازمان تامین اجتماعی اعلام شده بود. مخالفت وزارت کشور با تظاهرات کارگران موج

سر مقاله رفسنجانی را تنها بگذارید!

خیز هاشمی رفسنجانی برای کسب ریاست مجلس شورای اسلامی، به مهم‌ترین واقعه روزهای اخیر و موضوع کشاکش سیاسی در جامعه تبدیل شد. نخست باید از دانشجویان شجاع و آگاهی قدردانی کرد که با موضع قاطع و افشاگرانه خود، باعث شدند مقاومت شدیدی در برابر این نیت شکل بگیرد و هاشمی رفسنجانی در نخستین روزهای علنی کردن قصد خود برای کنترل مجلس، تا حدود زیادی افشاء و از سوی نیروهایی نیز که تصور نمی‌کرد، بدون حمایت بماند.

خوشبختانه امروز دستکم در بخش‌های آگاه و تأثیرگذار جامعه، آن قدر شناخت از رفسنجانی وجود دارد که علیرغم شعارهای عوامفریبانه او در جهت «سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی» و «رفع معضل بیکاری»، اهداف واقعی او را از بازگشت به خط اول صحنه سیاست، بشناسند. اما هنوز تا زمانی که او و تفکری که دنبال می‌کند، در جامعه ما به اندازه کافی تنها و منزوی شود، باید کار زیادی صورت گیرد.

رفسنجانی پنهان نمی‌کند که برای «ایجاد تعادل» وارد صحنه انتخابات شده است. اما آن چه او ایجاد تعادل می‌نماید، در واقع جلوگیری از حذف نیروهای ضد آزادی و تلاش آشکار برای حفظ موقعیت متزلزل آنان در مجلس و در کل حکومت است. او به هدف سد کردن راه اصلاحات سیاسی در ایران می‌خواهد به خط مقدم سیاست باز گردد. این واقعیت که بزرگ‌ترین حامیان و مشوقین رفسنجانی برای ورود به مجلس ششم جناح محافظه کار حکومت و تشکیلات بدنامی چون جمعیت مؤتلفه اسلامی بوده‌اند، خود نشان‌دهنده این است که چه کسانی در ورود او به این انتخابات سود خود را می‌جویند. محافظه کاران در وضعیت درماندگی، نجات خود را در آن یافته‌اند که دست یاری به سوی رفسنجانی دراز کنند و این مؤتلف «سال‌های طلایی» را بار دیگر به یاری فرا خوانند، ریاست مجلس را به او سپارند، تا اصلاح‌طلبان واقعی را بر کرسی ریاست مجلس بنینند و با کمک او مجلس را همچنان به عنوان سنگری برای مقابله با جریان اصلاحات در ایران حفظ کنند. محافظه کاران در کار بست این سیاست در عین حال هدف گسترش شکاف در جبهه اصلاح‌طلبان را دنبال می‌کرده و می‌کنند و در این هدف تا حدودی نیز موفق شده‌اند.

در برابر این سیاست، فشار جنبش توده‌ای، افکار عمومی و بخش پیشروی اصلاح‌طلبان، جریانات وابسته به جناح چپ حکومت را از رفسنجانی دور کرده است. اکثر تشکیلات وابسته به این طیف اعلام کرده‌اند از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت نخواهند کرد. این فشارها، حتی طیف‌های محافظه کار چپ حکومت ادامه در صفحه ۵

تیریک به هم‌میهنان مسیحی!

این شماره «کار» آخرین شماره سال جاری میلادی است. کارکنان نشریه کار، فرا رسیدن سال آمیلادی ۲۰۰۰ را به همه هم‌میهنان ارمنی و آسوری و دیگر ایرانیانی که به استقبال سال نو میلادی می‌روند، تیریک می‌گویند و برای آن‌ها سالی سرشار از موفقیت و پیروزی و شادکامی آرزو می‌کنند. آرزو داریم در سال نو، مردم کشور ما بتوانند گام‌های بیشتر و بزرگ‌تری در جهت برقراری دموکراسی در کشور و از جمله پایان دادن به ستم مذهبی و دینی بر اقلیت‌های مذهبی ایران بردارند.

توجه: شماره آینده «کار»

با یک هفته تأخیر در روز ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۰ منتشر می‌شود.

یادداشت

دانشجویان خواهان تحولات جدی اند

به دنبال برگزاری گردهمایی‌های گوناگون دانشجویی به مناسبت سالگرد ۱۶ آذر، روز دانشجو، برخی نشریات منتشره در ایران نسبت به پتانسیل بالای اعتراضی دانشجویان هشدار داده و آن را خطری برای کل نظام شمرده‌اند. در گردهمایی دانشجویان در دانشگاه‌های علم و صنعت و تهران چندین هزار دانشجو در حمایت از نوری و علیه فرسنگانی شعارهایی سر دادند که از جمله بر سیاق شعارهای دوران انقلاب «ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست‌وزیر عوض میشه» سروده شده بود. برخی فعالین سیاسی در جمهوری اسلامی پیش‌بینی کردند که طوفان در پیش است. جدا از اینکه این اظهارنظرها و احکام برای گرفتن امتیاز از جناح محافظه کار و ترغیب آن به توجه جدی‌تر به مصالح نظام و مدارا با اصلاح‌طلبان، بیان می‌شود، اما این امر واقعیتی جدی‌تر است که جنبش اعتراضی و تحول‌طلب در ایران دارای پتانسیل و قدرت بسیار بالایی است و جنبش دانشجویی در شرایط کنونی فعال‌ترین بخش جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در ایران را تشکیل می‌دهد. از پس از جنبش ۱۸ تیر که دانشجویان در اعتراضی وسیع از کارکنان حکومت‌گران ولایت‌فقیه‌ای را به لرزه انداختند، تاکنون دانشجویان به اشکال گوناگون و از همه جانب تحت فشار قرار گرفته‌اند. محافظه کاران و سرکوب‌گران رژیم حکم به سرکوب همه‌جانبه به دستگیری دانشجویان دادند. آنان از همه اهرم‌های اعمال فشار همچون زندان و شکنجه و اخراج از دانشگاه و عدم ثبت‌نام و محرومیت از تحصیل و تهدید استفاده کردند. اما در برابر عزم دانشجویان و پتانسیل بالای اعتراضی آنان توفیق نیافتند. آنان را از پیگیری خواسته‌هایشان بازدارند. نیروهای اصلاح‌طلب نیز بسیار کوشیدند دانشجویان را از هر نوع حرکت اعتراضی که به اشکالی زعم آنان «تند و آشوبگرانه» بازدارند و نگذارند آنان به اشکالی که خود مناسب می‌دانند، به دستگیری همزمانشان و دیگر انواع فشارها اعتراض کنند و خواسته‌هایشان را پی گیرند. استدلال این نیروهای اصلاح‌طلب این است که در شرایط کنونی هر حرکت اعتراضی و «اغتشاش» به نفع نیروهای محافظه کار تمام شده و مورد سواستفاده آنها قرار خواهد گرفت. تاکتیک «فشار از پایین چانه‌زنی در بالا» به دلیل مخاطرات حرکات اعتراضی و اینکه قابل کنترل در چارچوب خواسته‌ها و شعارهای اصلاح‌طلبان حکومتی نیست، تغییر کرد و جای خود را به «چانه‌زنی» همراه با تهدیدهای بیشتر بی‌پشتوانه در بالا داد.

بسیاری مفسران از جمله در روزنامه‌های طرفدار دوم خرداد، از همان ۱۸ تیر، گسست رهبری سیاسی اصلاح‌طلبان حکومتی بر جنبش دانشجویی را مورد تأکید قرار دادند. محکومیت عبدالله نوری در دادگاه روحانیت که به دنبال دفاعیه شجاعانه او در دادگاه انجام شد، گردهمایی‌های دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر را عمدتاً در راستای دفاع از عبدالله نوری سوق داد. موقعیت عبدالله نوری در میان بخشی از دانشجویان مستحکم‌تر شد. دفتر تحکیم وحدت و دانشجویان نزدیک به این طیف سیاسی - فکری، مواضع نوری را به نوعی و در عمل پلاتفرم سیاسی خود دانسته و بدین ترتیب ناراضیاتی خود را از مباحثات و ناپیگیری‌ها و سازش‌ها با محافظه کاران نشان دادند. مخاطب این بخش از دانشجویان از شعار «توسعه سیاسی با هاشمی همیشه» روشن است. دانشجویان در گردهمایی‌های خود، خاتمی را در مورد دادگاه روحانیت، پیگیری قتل‌ها، سرکوب دانشجویان، روند توسعه سیاسی و ده‌ها مسئله دیگر مخاطب و طرف سوال قرار داده و از وی پاسخ‌های روشن طلب کردند و پاسخ‌هایی دریافت کردند که از روشنی برخوردار نبود. و این در حالی است که دانشجویانی که صدا و سواالشان در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد از زمره دانشجویانی هستند که در طیف و چارچوب اندیشه و مواضع قابل پذیرش و «خودی» فضای سیاسی و رسانه‌های مجاز در جمهوری اسلامی می‌گنجند.

گردهمایی اخیر دانشجویان نشان داد این ادعا واقعی نیست که اعتراضات دانشجویی الزاماً به «اغتشاش و آشوب» در جامعه دامن می‌زند، این گردهمایی‌ها نشان داد اگر دانشجویان فرصت و امکان حضور مشکل و موثرتر در فضای سیاسی کشور را داشته باشند، می‌توانند بر رویدادهای سیاسی تأثیرات گاه تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

دانشجویان در اعتراض به انحراف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای: پرونده قتل‌ها در حال انحراف است، آمرین خبیث‌اش در معرض نجاتند!



مظلوم، خدا یار تو، ریاست پارلمان بود سزاوار تو»، «تفکر مدرسه حقانی، مخالف توسعه سیاسی»، «اوین شده گلستان، گلزار عشق و ایمان»، «باند سعید امامی ناپود باید گردد»، «رییس محفل او رسوا باید گردد»، «روزنامه مردمی حمایت می کنیم، از شر قانون شکن حفاظت می کنیم».

مظلوم، خدا یار تو، ریاست پارلمان بود سزاوار تو»، «تفکر مدرسه حقانی، مخالف توسعه سیاسی»، «اوین شده گلستان، گلزار عشق و ایمان»، «باند سعید امامی ناپود باید گردد»، «رییس محفل او رسوا باید گردد»، «روزنامه مردمی حمایت می کنیم، از شر قانون شکن حفاظت می کنیم».

دانشجویان همچنین با حمل شعارهایی مخالفت خود را با هاشمی فرسنگانی و تلاش‌های او برای به دست گرفتن رهبری اصلاحات و سازش با جناح راست محکوم کردند. از جمله شعارهای دانشجویان در این زمینه این شعارها بود: «توسعه سیاسی با هاشمی نمی‌شود»، «ما می‌گیم نوری می‌خواهیم، هاشمی کاندیدا می‌شود».

گروهی از عوامل حزب‌الله و چماق‌داران در جنب تظاهرات دانشجویان تجمع کرده بودند و چند بار سعی کردند تظاهرات آنها را برهم بزنند و یا به خشونت بکشانند که موفق نشدند. دانشجویان گروهی از آنان را که با پلاکاردهای حاوی شعارهای ضد آزادی خواهانه به صفوف آنها رخنه کرده بودند، از میان خود بیرون راندند. به محض تجمع چماق‌داران، دانشجویان پلاکاردهایی را برافراشتند که شعارهایی خطاب به عوامل فشار بر آنها نوشته شده بود، از جمله: «پوستین با گفته‌ات کن سازگار، گزنداری طاقت ما الفراق»، «اورکت آمریکایی می‌شوید

تفاوت‌هایی داشتند؟ افشاری تصریح کرد: باید مشخص شود در حادثه تیریز گلوله را چه کسی شلیک کرد؟ چرا به این سوال‌ها پاسخی داده نمی‌شود. وی با اشاره به محاکمه عبدالله نوری گفت: چطور وقتی فردی از شورای شهر استعفا می‌دهد از بابت حضورش در مجلس احساس نگرانی می‌شود و ظرف یکماه پرونده تشکیل می‌شود و راهی زندان می‌گردد اما با گذشت بیش از ۶ ماه هنوز خبری از محاکمه عاملان جنایت کوی دانشگاه نیست؟ وی با طرح این سوال که پشتوانه افراد لباس شخصی کیست گفت: مردم آگاه و دانشجویان می‌فهمند که حرکت‌های غوغاسالاری براساس چوب و چماق چهل یا پنجاه نفر ممکن نیست و حتماً پشتوانه‌هایی دارد. افشاری با اشاره به اینکه دانشجویان خواستار محاکمه سریع و علنی عاملان تهاجم به کوی دانشگاه هستند، گفت: هاشمی شاهرودی اگر این شعار توسعه قضایی به میدان آمده است بدانند که با گفتار درمانی کار به جایی نمی‌برد.

الیاس حضرتی عضو رهبری حزب همبستگی اسلامی در سخنانی گفت: طوفان سیاسی بزرگی کشور را فرا می‌گیرد، این طوفان سیاسی می‌خواهد انتخابات مجلس را تحت‌تأثیر نشت امروز دانشجویان ما خود قرار دهد. حضرتی گفت: اما نشست امروز دانشجویان ما خطاب به آقایان دادگاه ویژه روحانیت تلنگری است که بیدار شوید و این جمعیت را ببینید که نمونه‌ای از مردم ایران است.

محسن رهامی وکیل عبدالله نوری در سخنان خود تصریح کرد: هنوز خبری از محاکمه عوامل کوی دانشگاه و قتل‌های زنجیره‌ای نیست. وی که عضو کمیته تحقیق پیرامون فاجعه حمله به کوی دانشگاه نیز هست، افزود: علی‌رغم وعده‌های صریح هاشمی شاهرودی رییس قوه قضاییه، هنوز خبری از محاکمه آمران و عاملان این دو جنایت فحیح نیست. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در بخش دیگری از سخنان خود، قتل‌های زنجیره‌ای را لکه‌نگی دانسته و گفت: علیرغم پی‌گیری‌های رییس جمهور و تأکید مسئولین، هنوز قوه قضاییه نتوانسته است یک جلسه برای معرفی و مجازات عاملان و آمران این قتل‌ها تشکیل دهد و آنها را به مجازات شرعی و قانونی خود برساند.

به روشنی نشان داد که روحیه نسل جوان و دانشجوی کشور در حال حاضر، تا چه حد نگران‌کننده‌ای ملتهب و احساساتی است. دیروز، درحالی که رییس جمهوری دانا می‌کوشید از منظر خرد و صلاح مسایل را ارزیابی کند، دانشجویان و جوانان حاضر در مراسم با شعارهای خود - آشکارساز - موضوع‌گیری بس قاطع‌تر و تندتری را می‌طلبیدند. این شکاف و تفاوت نگران‌کننده در مواضع، طی ماه‌های اخیر به پدیدای آشنا برای سخنرانان در دانشگاه‌ها و مراسم دانشجویی تبدیل شده و بیانگر شکافی است که نسل جوان ایران حتی با جناح اصلاح طلب پیشرو رهبران خود پیدا کرده است. با وجود این التهاب و حاکمیت فضای غلبه

محمد خاتمی در سخنرانی در جمع دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت از «سکوت» دانشجویان قدردانی کرد و از آنان خواست به این سکوت ادامه ندهند!

رئیس جمهور گفت: من به عنوان فردی که خود را هنوز یک دانشجوی کوچک می‌دانم تقدیر خاطر سکوتی که در سال جاری از خود نشان داده‌اند ابراز می‌کنم. آقای خاتمی اضافه کرد: امسال ساکت‌ترین سال دانشجویان بود اما به این معنا نیست که آنان اعتراضی نداشتند، چرا که در سال جاری به آنان توهین شد. خاتمی گفت: برخی قصد داشتند دانشجو و دانشگاه را مظهر خشونت و درگیری، معارضه با ارزش‌های

محمد خاتمی خطاب به دانشجویان: به سکوت خود ادامه ندهید!

قصد دارند گرایش‌های باندی و گروهی خود را به دانشگاه‌ها بکشند اما دانشجو باید تلاش کند که از او سواستفاده نشود. وی اضافه کرد: اگر چه جامعه نیاز به آرامش دارد اما منظور از آرامش انتقاد نکردن و به دنبال کار خود رفتن نیست. اگر این کار صورت بگیرد جنبش دانشجویی مرده است. وی با تأکید بر اینکه دانشجو پرسشگر است اظهار داشت: پرسشگری دانشجو باید در مسیر استقرار نظام مردمی و دفاع از حضور آنان در صحنه صورت گیرد. دانشجو باید بتواند

اعتراض کند اما این اعتراض در مسیر ثبات و پایداری نظام مردمی در کشور باشد. بعد از سخنرانی خاتمی، دانشجویان ده‌ها سوال پیرامون محاکمه عبدالله نوری، وضعیت دادگاه ویژه روحانیت، نحوه رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، نحوه رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران و سایر مسایل سیاسی روز مطرح کردند. اما رئیس جمهور تقریباً به هیچ یک از سوال‌های دانشجویان پاسخ مشخصی نداد و همچنان به روش

اسلامی و انقلابی نشان داده و آنها را تحریک کنند. وی ادامه داد: واقعه کوی دانشگاه لکه‌نگی است که به راحتی از دامن جامعه پاک نخواهد شد در این ماجرا پس از اهانت، سرکوب و ضرب و شتم دانشجو، غائله‌ای در متن شهر ایجاد شد و آن را به نام دانشجو نوشتند اما خوشبختانه جامعه دانشجویی با تدبیر و همت، راه خود را از این غائله جدا کرد. وی ادامه داد: جامعه دانشجویی با آنکه احساس می‌کرد آنطور که باید و شاید به ستمی که به او شده پاسخ داده نشد، ولی چون به نیاز جامعه یعنی آرامش و ثبات واقف بود، سکوت کرد و این راه باید ادامه یابد. خاتمی در ادامه سخنرانی خود برای دانشجویان افزود: برخی گروه‌ها قصد داشتند و

احساسات و عواطف بر نسل جوان، قاعدتا روش و برخورد درست بایستی این می‌بود که جریان‌ها محافظه کار نیز با فهم درست از خطرات بزرگ موجود در کشور، که بعضاً ارکان نظام و کشور را تهدید می‌کند، با هر هدف و منظری راه اعتدال و کاهش فضای تنش را برگزینند و دست کم - اگر نه خود - به رییس جمهوری امکان بدهند که رهبری و نمایندگی نسل جوان کشور را با مواضع خردمندانه و شفاف اما صلاح‌اندیش خویش ادامه دهد و از تشدید شکاف بین جوانان و نظام جلوگیری و برعکس به تسریع آن بکوشد. اما، با وجود خطری چنین هولناک که همه نظام را تهدید می‌کند، دریغ از حتی یک گام و حتی یک جمله.

فلسفه سیاسی «جون رولز»

اسفندیار طبری

شرایطی، حامل «چادر ناآگاهی» هستند: هیچ کس از جایگاه طبقه و شرایط خودش در جامعه اطلاعی ندارد. اصول عدالت در چنین شرایطی قابل تعیین است که در آن حتی نشانها و تصادفات طبیعی فردی مثل عقب‌افتادگی یا باهوشی موجب ضرر یا برتری و در نتیجه عدم برابری نخواهد بود. بر اساس این چادر ناآگاهی در «جایگاه نخستین» حداقل آزادی برای همه افراد فراهم می‌باشد: آزادی اندیشه، مذهب، آداب و معاشرت، انتخاب شغل و غیره. ممکن است برای خیلی‌ها، که به افکار مارکس متصل هستند، این افکار رولز ایده‌آلیستی و عجیب به نظر بیاید. رولز در تصورش از «جایگاه نخستین»، برخلاف مارکس به ابزار تولید و تصاحب آن بطور عمده توجه ندارد و طبیعتاً منظور او از برابری و عدالت تنها مفهومی اقتصادی نیست، بلکه بیش از همه پایه اخلاقی دارد و به این دلیل مسئله دموکراسی و آزادی از اولویت خاصی برخوردار است. تئوری عدالت اجتماعی منصفانه، به مفهوم تساوی بین انصاف و عدالت نیست، بلکه به این مفهوم است که از شرایط منصفانه (چادر ناآگاهی!) بتوان به یک «جامعه نیک پیمان» (Ordered Well - Society) رسید. جامعه نیک پیمان مدلی رئالیستی از عدالت اجتماعی منصفانه است که افراد اخلاقی آن آزاد و مساوی هستند و قوانین جامعه تحت کنترل عمومیت می‌باشد.

ایده‌های که رولز از «جایگاه نخستین» دارد بخوبی در ارتباط با جوامع آمریکایی و اروپایی کنونی قابل تصور است. این ایده مغزلا در جامعه‌های مثل ایران دشواری‌های دیگری دارد که از آن یک ایده «بسیار متواضعانه» می‌سازد. در ایران پارلمان وجود دارد اما سیستم حکومتی، تئوکراتیک باقی مانده است. سیستم پارلمانی و ولی فقیه (با اختیارات حکومتی) دو دید کاملاً متناقض از یک سیستم حکومتی است که نهایتاً به نفع یکی از آن‌ها پایان خواهد یافت. بر همین اساس تا وقتی که ولی فقیه با «چنین کیفیتی» در «حکومت» حضور دارد، تصور هر نوع دموکراسی حتی به شکل نسبی آن ممکن نخواهد بود. با این همه دعوای نیروها یا افکار سیاسی نباید در «محو» سیستم ولایت فقیه باشد، بلکه در «محدود سازی میدان اثر آن». بهترین ایده یک «جایگاه نخستین» برای ایران، وجود یک پارلمان قوی و خودمختار برای این کشور است، که «خود بخود به مفهوم محو قدرت و نفوذ سیاسی» ولایت فقیه می‌باشد. □

آزادی و دموکراسی برای هر فرد در جامعه چه کارگر یا سرمایه‌دار، موافق یا مخالف، شرط اساسی عدالت اجتماعی است. در این سیستم، تنها نظم و قانونی عادلانه است که با توافق منصفانه افراد جامعه همراه باشد که نهایتاً توسط بنیادهای اجتماعی به عهده اجرا گذاشته شود. در سیستم عدالت اجتماعی منصفانه، فرد به عنوان یک «فرد اخلاقی» شناخته می‌شود. یک فرد اخلاقی، فردی است که اولاً «غریزاً» درکی از عدالت دارد (غریزه عدالت)، ثانیاً فردی عقلانی است، یعنی می‌تواند به شکلی انتزاعی با مسائل برخورد کند (عقلانیت) و ثالثاً در رسیدن به هدف کوشا باشد (موفقیت). همه افراد جامعه دارای چنین توانایی‌هایی هستند. مدلی که رولز از عدالت اجتماعی منصفانه ارائه می‌دهد، مدل یک جامعه‌ای است که دارای این خصوصیات است: کنترل و نگهداری جامعه از طریق درک عادلانه عمومی، افراد اخلاقی آزاد و مساوی به عنوان اعضای جامعه، ثبات و پایداری بر اساس عدالت غریزانه، در چنین جامعه‌ای دموکراسی و آزادی افراد، پدید می‌آید. منصفانه شدن است.

برای رسیدن به چنین جامعه‌ای رولز پیشنهاد یک نوع آزمایش فکری را ارائه می‌دهد: ایده «جایگاه نخستین» شرایطی است که در آن یک شرایط حداقل برای زندگی معمولی افراد جامعه قابل تصور است. در این شرایط باید کالاها و موارد اساسی برای همه افراد فراهم باشند. «جایگاه نخستین» مدل یک نو اخلاق اجتماعی و سیاسی است که بهترین خصلت آن غیر وابستگی است: برای این‌که افراد به یک توافق اجتماعی برسند، باید در وهله نخست بطور غریزی و بدون وابستگی حزبی به توافق برسند، زیرا این افراد همچون افرادی اخلاقی عمل می‌کنند (عدالت غریزی، عقلانیت و موفقیت). اما چگونه چنین چیزی ممکن است؟ واقعیت این است که افراد و احزاب در چنین

فشرده، پرمحتوا و دشوار که در هر گوشه آن دانشی نهفته است.

پرسش: اگر از شما ارائه یک تئوری درباره عدالت خواسته شود، چه نکته یا نکاتی در این رابطه برای شما محوری خواهد بود؟ در اینجا چند پاسخ ممکن عنوان می‌شود: - هر کسی به اندازه لیاقتش (افلاطون) - تاریخ عادل است، یعنی سرنوشت بهترین قاضی برای عدالت است! (هگل) - امکانات و شانس مساوی برای همه - کار بدون استثمار و ...

رولز می‌گوید: «عدالت اولین نیک‌بخت بنیادهای اجتماعی است». او در اینجا از یک دیدگاه اخلاقی به عدالت می‌نگرد و به تمایز دو مفهوم متفاوت در اخلاق می‌پردازد: اخلاق به معنای «مورال» که مربوط به روابط متقابل بین بنیادهای اجتماعی درون جامعه می‌باشد، و اخلاق به مفهوم «اتیک» که منعکس کننده روابط و رفتارها بین افراد درون یا بیرون از جامعه است. با این تعبیر، تئوری عدالت مربوط به «مورال» و بنیادهای اجتماعی است. بدیهی است «مورال» و «اتیک» نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند و تأثیر متقابل بین این دو همواره جاری است. با وجود این، توجه اساسی رولز در ارتباط با یک تئوری عدالت، به بنیادهای اجتماعی یک جامعه که ساخت اساسی آن جامعه را تعیین می‌کند، می‌باشد. منظور رولز از بنیادهای اجتماعی «Institution»، سیستم‌های نظم عمومی، ادارات و مقام‌هایی با وظایف، حقوق، قدرت و نفوذ مشخص اجتماعی می‌باشد.

تئوری عدالت رولز، عدالت اجتماعی منصفانه نام دارد. در این سیستم هر کسی به اندازه لیاقت، کار، کوشش و هوش‌اش می‌تواند کسب موفقیت کند. برخلاف فلسفه سیاسی مارکسیسم - لنینیستی، در فلسفه سیاسی رولز،

کاپیتالیستی آزادانه و بدون کنترل بر اساس عرضه و تقاضا رشد می‌کند: «کاپیتالیسم سالم» که به رفاه اجتماعی نیز توجه دارد: «سوسیالیسم دولتی» با اقتصاد دیکته‌ای از طرف دولت: «دموکراسی با حق تصاحب» و «سوسیالیسم لیبرال».

سه نوع اول در معیارهای عدالت اجتماعی او نمی‌گنجد و تنها در یک سیستم دموکرات با حق تصاحب و یا یک نوع سوسیالیسم یا دموکراسی لیبرال می‌توان از عدالت اجتماعی سخن به میان آورد. فلسفه سیاسی رولز، عدالت اجتماعی در یک سیستم لیبرالیسم سیاسی است. پس از انتشار کتابش «یک تئوری عدالت اجتماعی» در ایالات متحده، سیل انتقاد چپ‌ها و راست‌های کمونیست، که در هواداری از کلیت اجتماعی معتقد به رشد آزادانه سرمایه و سرمایه‌داری، بدون هیچ‌گونه محدودیتی هستند، جاری شد. بطوری که محدوده این انتقادات حتی به پارلمان آمریکا و در انتخابات ریاست جمهوری کشیده شد. می‌توان از رونالد ریگان به عنوان نماینده جناح راست و کلیتون نماینده جناح چپ کمونیست نام برد. از سوی دیگر انتقادات سازنده بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان در تمام دنیا (مهمترین آنها هابرماس، جامعه‌شناس معاصر آلمانی)، رولز را برآن داشت که در اثر بعدی‌اش، لیبرالیسم سیاسی «Political Liberalism» تا اندازه‌ای مشکلات، انتقادات و دیدگاه‌های قدیمی موجود در اثر اول را اصلاح کند.

اشاره به این نکته ضروری است که بازگویی فلسفه سیاسی رولز در یک مقاله مختصر کار بسیار دشواری است که احتمالاً خالی از سوتفاهم نخواهد بود. اثر پرحجم و ۵۰۰ صفحه‌ای او «لیبرالیسم سیاسی» اثری است

جون رولز «John Rawls» فیلسوف معاصر آمریکایی با انتشار کتابش «Justice A Theory of» در سال ۱۳۴۹ شمسی بعنوان یکی از مهم‌ترین متفکران سیاسی چپ مدرن شناخته می‌شود. تئوری او به فلسفه سیاسی روح و جان دوباره‌ای داد که مرکز بحث و جدل فیلسوفان و متفکران سیاسی تمام دنیا می‌باشد. در جامعه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، که کنسرن‌های بزرگ کاپیتالیستی، موجودیت خود را بعنوان ابرقدرت‌های اقتصادی حاکم بر جامعه در تقاضا با هر شکلی از عدالت اجتماعی می‌بینند، رولز خود را با این اندیشه مشغول می‌کند، که چگونه و تا چه حد انسان‌ها در چنین جامعه‌ای قابل نجات هستند، بطوری که زندگی‌شان، ارزش واقعی زندگی‌کردن را داشته باشد. پرسش، این است که آیا یک اتویی واقع‌گرایانه و قابل کاربست برای ایجاد یک چنین نظم اجتماعی امکان‌پذیر است. از نظر او به واقعیت پیوستن یک نوع عدالت اجتماعی منصفانه می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد. به عبارت دیگر تا وقتی که بتوانیم با دلایل قانع‌کننده اثبات کنیم که عدالت اجتماعی در میان انسان‌ها امکان‌پذیر است، برای رسیدن به آن نیز تلاش خواهیم کرد. تئوری عدالت اجتماعی رولز، یک تئوری انقلابی اجتماعی نیست، بلکه شکلی از رفرم برای جوامع کاپیتالیستی و سوسیالیستی دولتی (غیر دموکراسی) را در بر دارد. بطوری که ب. کیوان در مقاله «خصلت‌نامی فلسفه سیاسی چپ امروز» در کار «۲۲» و «۲۲۱» به درستی اشاره می‌کند، بشریت در سطح ملی و بین‌المللی دو راه بیشتر ندارد: یا تن‌دادن به تشدید فقر و استثمار و زندگی فلاکت‌بار تودایی و یا علیرغم دشواری‌ها به مدد عقلانیت دموکراتیک جستن یک زندگی انسانی ارزشمند و صلح‌آمیز. در این میان دیدگاه‌های اتوپیستی غیر واقع‌گرایانه، همانطور که تجربه جنبش چپ در ایران و در کشورهای دیگر در دوران معاصر آشکارا نشان می‌دهد، می‌توانند پیامدهای سنگین و جبران‌ناپذیری داشته باشند. رولز تئوری عدالت اجتماعی خودش را تنها محدود به آمریکا و اروپا نمی‌داند، بلکه معتقد است که این تئوری می‌تواند کاربردی جهانی داشته باشد، هرچند که از نظر نگارنده کاربرد آن در شرایط دشواری مانند ایران، احتیاج به دگرگونی‌هایی در سطوح مختلف دارد. از سنج سیستم رژیسی مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند: «کاپیتالیسم آزاد»، که بر مبنای آن اقتصاد



بیست و نه سال
بیکار فدائیان خلق
در راه صلح، آزادی، دموکراسی
و سوسیالیسم را گرامی بداریم
به نشانه همبستگی با
جنبش مردم و دانشجویان ایران گردهم آئیم!

شروع برنامه از ساعت ۱۶
● بحث و گفتگو با اعضای شورای مرکزی سازمان

برنامه‌های متنوع جشن از ساعت ۱۹

مکان: آلمان - بن
Bonn - Beuel
Brücken Forum
زمان: شنبه ۲۴ بهمن (۱۲ فوریه ۲۰۰۰)
Friedrich - Breuer str. 17 - 53225 Bonn

ستاد برگزاری جشن مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان ما و انتخابات مجلس ششم

مرتضی - ونگور

سیاسی اپوزیسیون در کشور، باگیری و تقویت نهادی مدنی و گسترش نقش هرچه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خویش، تنها وسیله ممکن برای مهار کردن نیروهای تمامیت‌خواه و افسارگسیخته‌ای است که به کمک «مخالف» و ارگانهای ترور و سرکوب، هیولای استبداد را طی ۲۵ سال گذشته بر مردم ما تحمیل کرده‌اند. با تکیه بر موارد فوق و دیگر پارامترهای پیچیده درون جنبش مردمی و تضادها و تضادها بین جناح‌های حاکم بر کشور، چارچوب کلی موضع شوری مرکزی در جهت تقویت جنبش مردم‌سالاری و دموکراسی در کشور نیز هم‌سو با سیاستهای عمومی سازمان است. با اینحال مکشی کوتاه روی برخی جنبه‌های آن موضع‌گیری، به رفع بعضی ابهامات و نیز صراحت بیشتر سیاست‌های ما کمک خواهد کرد:

۱- در بند دوم تصمیمات شورا آمده است: «ما در انتخابات آتی مجلس شورا مستقیماً شرکت خواهیم کرد...» با توجه به شرایط فوق‌العاده سنتی و ضد دموکراتیک که شورای نگهبان برای کاندیداتوری افراد وضع کرده، گمان نمی‌رود که منظور از طرح فوق، ثبت نام فردی یا افرادی از فعالین سازمان برای شرکت در انتخابات باشد. اما اگر چنین است، شورا مشخص نکرده با وجود تمام موانع، از طریق چه مکانیسمی قصد «شرکت مستقیم» در انتخابات را دارد؟ مگر اینکه منظور از «شرکت مستقیم» را به طریق غیر متعارف تفسیر نمایم! در هر حال شایسته بود شورای مرکزی سازمان قبل و یا بلافاصله بعد از اتخاذ این موضع، جزئیات چنین ایده‌ای را از کانال نشریه کار به بحث عمومی می‌گذاشت تا از آن تعبیر «تیری در

یکی از هنرهای احزاب و سازمان‌های سیاسی، موضعگیری سریع و صریح در مورد حوادث حساس جامعه است» که از سویی امکان تأثیرگذاری بروی روند مورد نظر را افزایش می‌دهد و از دیگر سو، فرصتی برای منتقدین درون و بیرون حزبی فراهم می‌آورد تا نکات مثبت و منفی سیاست اتخاذ شده را به موقع به نقد بکشند. اعلام نظر اخیر شورای مرکزی سازمان ما حول مسئله انتخابات که در کار شماره ۲۲ منعکس شده نمایانگر احساس مسئولیت جدی رهبری سازمان در قبال انتخابات ششم مجلس در بهمن‌ماه آینده و نتایج حاصله از آن است. صرف اتخاذ موضع سازمان - جدا از حد تأثیرگذاری ما در روند انتخابات - بیانگر درس‌آموزی منطقی ما از تجربه دوم خرداد است. آزمون‌ها که اکثریت قاطع مردم ایران با جانپنداری از برنامه‌های انتزاعیاتی محمد خاتمی، از یک طرف همبسته مخالفت خود را با کاندیدای برگزیده ولی فقیه اعلام و از طرف دیگر مهر خود را در تأثیرگذاری بر روند تحولات جامعه کوبیدند.

با توجه به مبارزه تنگاتنگی که بین طرفداران جامعه مدنی (اکثریت کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، زنان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان آزادخواه، نیروهای ملی و کلیه حامیان اصلاح طلبی) و اقتدار گرایان تمامیت‌خواه در گرفته، جانب‌داری از سیاستی که بتواند توازن قدرت را در مرکز قانونگذاری به نفع نیروهای آزادخواه و اصلاح طلب بهم بزند، یقیناً در درازمدت به تقویت جنبش دموکراتیک مردم ایران کمک خواهد کرد. چرا که در شرایط اسروری و در غیاب احزاب و سازمان‌های

□

۱۹۹۹، سال جنگ‌ها و بحران‌ها

هفته‌ها درگیری برای اوچالان، عراقیت او را سازمان سیا و حکومت کنیا کت‌بسته تحویل دولت ترکیه دادند تا محاکمه و به اعدام محکوم کند.
هنوز اندکی از محاکمه اوچالان که به زعم هیأت حاکمه ترکیه نقطه پایانی بر قیام کردها بود، نگذاشته بود طبیعت، از مونی سخت را بر مردم ترکیه تحمیل کرد. زلزله غرب این کشور، ده‌ها هزار قربانی گرفت و صدها هزار نفر را بی‌خانمان کرد. دولتی که صاحب دومین ارتش بزرگ ناتو است، با گذشت ماه‌ها از زلزله هنوز مصیبت دیدگان را در چادرها نگه داشته است.
سال ۱۹۹۹ در ترکیه همچنین سال امضای قرارداد لوله نفتی

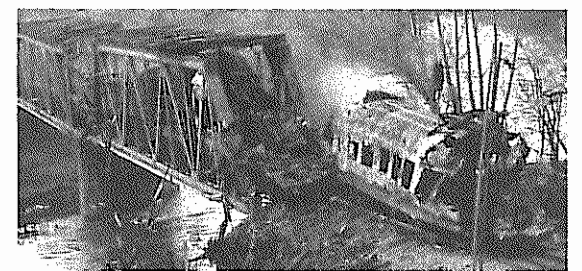


آرامش به خود ندیده است.
در سال ۱۹۹۹، بر بحران‌های پیرامون ایران، بحران پاکستان نیز افزوده شد. دولت نواز شریف که در ماجرای کشمیر قافیه را باخت و زیر فشار آمریکا ناگزیر شد عوامل مسلح خود را از شمال هند عقب بکشد، به خاطر این «بی‌لیاقتی» مغضوب نظامیان شد و پرویز مشرف فرمانده ارتش بر علیه آن کودتا کرد. اکنون برای نواز شریف پرونده خیانت درست کرده‌اند. اگر هم نواز شریف مانند ذوالفقار علی بوتو سرش بالای دار نرود، همین برای سیاستمداران غیرنظامی پاکستان پس که بفهمند حاکمان واقعی در این کشور، ژنرال‌ها هستند.

شاید این پیروزی هند در ماجرای کشمیر بود که به موفقیت واجپایی نخست‌وزیر این کشور در انتخابات انجامید. تلاش نیروهای معتدل‌تر برای پایان دادن به حکومت هندوهای افراطی به جای نرسید.
می‌توان از بهبود روابط ایران و عربستان و افزایش بهای نفت به عنوان تنها روندهای امیدبخش عمده در اطراف کشور ما در سالی که گذشت نام برد.

درگیری‌ها در سایر مناطق جهان

در سال ۱۹۹۹ درگیری‌های بسیار در سایر مناطق جهان ادامه یافت. از کانون‌های دائمی بحران مانند آنگولا که بگذریم، در این سال برخی بحران‌های جدید بر جنگ‌های قبلی افزوده شد. پسر سر و صداترین جنگ سال ۱۹۹۹، حمله ناتو به یوگسلاوی بود که بر خلاف حمله ۱۹۹۱ به عراق، بدون مجوز شورای امنیت صورت گرفت. به بهانه پایان دادن به سرکوب مردم کوزوو توسط بلغراد، آنچه را که از یوگسلاوی باقی مانده است هفته‌ها بمباران کردند. عاقبت با تسلیم دولت بلغراد، نیروهای زمینی ناتو وارد کوزوو شدند و فعلاً در آنجا مستقرند. هنوز هیچ کس از مقامات کشورهای عضو ناتو نگفته است که این پیمان نظامی، تاکسی می‌خواهد حضور نظامی خود را در کوزوو حفظ کند و پس از خروج ناتو چه خواهد شد. اکنون سرکوب آلبانی‌تبارهای کوزوو به دست صرب‌ها، جای خود را به سرکوب صرب‌ها و کولی‌های کوزوو به



باکو - جبهان بود. به کارگردانی دولت آمریکا، قرار بر آن شده است که ایران و روسیه را از بزرگترین معامله اقتصادی منطقه کنار بگذارند. هدف استراتژی و اشننگتن روشن است: آمریکا می‌خواهد دست‌های «غیر قابل اعتماد» بر این لوله نفتی نباشند، بلکه طرف‌های معامله، دولت‌هایی باشند که یا همچون ترکیه متحد دیرین و نزدیک ایالات متحده‌اند یا حکومت‌هایی ضعیف مانند آذربایجان و گرجستان که با صرف کمترین هزینه می‌توان تصمیماتشان را خرید.

جنگ کنونی چین، بی‌ارتباط با این یورش بی‌سر و صدای آمریکا به حوزه نفوذ سنتی روسیه نیست. چین، منطقه‌ای است که اگر قرار باشد پروژه باکو - جبهان بی‌نتیجه بماند، لوله نفتی جایگزین می‌تواند از آنجا بگذرد. در سال ۱۹۹۹، مسکو عزم جزم کرد که کنترل خود را بر چین احیا کند. همه وعده‌هایی که در قرارداد صلح به چینی‌ها داده شده بود به فراموشی سپرده شد و ارتش روسیه، چین را به آتش و خون کشید. بهانه روس‌ها برای لشکرکشی دوم به چین، بمب‌گذاری‌های امسال در شهرهای روسیه بود که به مسلمانان افراطی قفقاز نسبت داده شد.

افغانستان در سالی که گذشت کامکان صحنه جنگ داخلی بود. طالبان، بخش اعظم خاک این کشور را در کنترل خود دارد، اما پشت حزب کارگران کردستان ترکیه را خالی و رهبر آن را آواره کشورهای دیگر کرد. پس از

در اکثر رسانه‌ها به غلط می‌گویند و می‌نویسند که با پایان سال ۱۹۹۹، قرن و هزاره نیز به پایان می‌رسد. از آنجا که یک قرن، صد سال است و یک هزاره، هزار سال، و از آنجا که شمارش سال‌ها از یک و نه از صفر آغاز می‌شود، پایان قرن بیستم و هزاره بیستم، پایان سال ۲۰۰۰ خواهد بود و نه پایان ۱۹۹۹. در پایان سال ۲۰۰۰ تاریخ میلادی خواهد گذشت. از این رو، نگاه ما به سالی است که گذشت، نه قرن بیستم و نه هزاره دوم. برای دومی و سومی، هنوز یک سال فرصت باقی است.

ایران را بحران‌ها محاصره کرده‌اند اگر نگاه خود را به جهان از پیرامون کشورمان آغاز کنیم، می‌بینیم که این منطقه، آینده‌ای از جهانی جنگ‌زده و بحران‌زده است. یک سال پیش در چنین روزهایی، کلیتون رهبر ابر قدرت باقی‌مانده از جنگ

جهانی‌پر از بی‌عدالتی

اقتصاد سرمایه‌داری در اروپای غربی و آمریکای شمالی در سال ۱۹۹۹ نیز رکورد‌ها را شکست. ارزش سهام مهم‌ترین شرکت‌های آمریکایی و اروپایی به مرزهای سرسام‌آور رسید. اکنون، در پایان سال ۱۹۹۹، بهای مجموعه سهام جنرال‌الکترونیک که گران‌قیمت‌ترین شرکت جهان است، نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار است. مایکروسافت، دارنده انحصار سیستم‌های عامل کامپیوترهای شخصی، با حدود ۴۵۰ میلیارد دلار در رده دوم قرار دارد. برای مقایسه، کافی است به یاد آوریم درآمد ارزی ایران در سال‌های اخیر که بحران

دست آلبانیایی‌ها داده است. معلوم نیست این چرخه سرکوب و انتقام، کی متوقف خواهد شد. در سالی که گذشت مردم تیمور شرقی که یک ربع قرن پیش به اشغال ارتش اندونزی درآمد، در یک همه‌پرسی رای به استقلال دادند و تاوان این رای را گران پرداختند. دست‌جات شبه‌نظامی که توسط ارتش اندونزی مسلح شدند، به جان مردم تیمور شرقی افتادند. ده‌ها هزار تن دیگر از این مردم قربانی سرکوب شدند. عاقبت تحت فشار افکار عمومی در جهان و در خود اندونزی، ارتش این کشور برقراری امنیت در این منطقه را به نیروهای بین‌المللی تحت فرماندهی استرالیایی‌ها سپرد. این تحول با تغییر دولت در خود اندونزی همراه شد. هر چند به علت توطئه مشترک ارتش و اسلام‌گرایان، سوکارنو دختر رهبر مبارزات استقلال‌طلبانه اندونزی به ریاست جمهوری انتخاب نشد، اما این کشور با برکناری حبیبی جانشین سوهارتو دیکتاتور پیشین از ریاست جمهوری، گامی به سوی دموکراسی برداشت.

حزبیت مجدد

در روند صلح خاورمیانه بر زمینه‌ای از بحران‌ها و جنگ‌ها، برخی روندها و رویدادهای امیدبخش نیز در گوشه و کنار جهان دیده شد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل که روند صلح خاورمیانه را سال‌ها در محاق فرو برد، انتخابات را به باراک رهبر حزب کار باخت. نخست‌وزیر جدید اسرائیل، مذاکره با فلسطینی‌ها و سوریه را از سر گرفته است. روند صلح خاورمیانه، هر چند به کندی، اما به هر حال دوباره به حرکت افتاده است. اما در برابر این روند، مشکلات جدی قرار دارد. از آن جمله است عدم آمادگی اسرائیل برای پس دادن جولان به سوریه و مذاکره درباره آینده بیت‌المقدس شرقی.

علاوه بر خاورمیانه، ایرلند شمالی نیز شاهد پیشرفت‌هایی در روند صلح است. دولت ائتلافی طرفداران بریتانیا و جمهوریخواهان در بلفاست تشکیل شده است.

تقاضا را در برابر عرضه تقویت کند، در حال عقب‌نشینی‌اند. بارزترین نشانه این روند، تغییر در رهبری حزب سوسیال دمکرات آلمان در سال ۱۹۹۹ است. در آلمان که از دوران بیسمارک به بعد مهد «دولت رفاه» محسوب می‌شود، اسکار لافرتن رهبر حزب حاکم سوسیال‌دمکرات و وزیر دارایی، زیر فشار صاحبان سرمایه ناگزیر شد کناره‌گیری کند. لافرتن، مدافع اعمال سیاست‌های مالی به نفع میزبگیران و بان‌نشستگان و بیکاران از طریق افزایش مالیات برای بخش تروتمند جامعه بود. وی هنگامی که دریافت این سیاست، مورد حمایت گرهارد شرودر - صدراعظم



جهان به کجا می‌رود؟

در حالی وارد آخرین سال قرن بیستم و هزاره دوم می‌شویم که سرمایه‌داری، پس از وقفه‌ای هفتادساله، که شاید تنها یک سانحه تاریخی بود، جهان‌گیر شده است. اکنون نظام سرمایه‌داری باید نشان دهد که می‌تواند مبنایی برای زندگی شش میلیارد انسان باشد یا نه. سوسیالیست‌های آغاز این قرن، مانند روزا لوکزامبورگ معتقد بودند که انتخاب بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری، انتخاب بین تمدن و بربریت است. این شاید حکمی زودرس بود. اما امروز همه شواهد حاکی است نظام سرمایه‌داری، جهان را از بسیاری جهات به لبه پرتگاه نزدیک می‌کند. بی‌عدالتی فاحش، نابودی محیط زیست و جنگ‌هایی که پایان نمی‌پذیرد، ناکتوانی سرمایه‌داری در درمان بیماری‌های کلب بشریت را به نمایش گذاشته است.

آیا سرمایه‌داری خواهد توانست در قرن آتی چهره‌ای انسانی‌تر از خود به نمایش بگذارد و یا برای انسان‌ها چاره‌ای جز در انداختن طرحی نو باقی نخواهد ماند؟

سوسیال‌دمکرات نیست، از همه سمت‌های خود در حزب و دولت کناره‌گیری کرد. اکنون با اینکه در اغلب کشورهای اروپای غربی، سوسیال‌دمکرات‌ها حکومت می‌کنند، این سیاست‌های نولیبرالی است که دست بالا را دارد. تونی بلر در انگلیس پیش‌تاز مشی جدید سوسیال دمکراسی در اروپاست که برخی به آن، تاچریسم در لباس سوسیال‌دمکراتیک نام نهاده‌اند. در این سیاست، به سود سرشار سرمایه دست نمی‌خورد و دخالت دولت در اقتصاد به مواردی جزئی محدود می‌شود. شاید در میان کشورهای بزرگ اروپا، تنها فرانسه باشد که در آن دولت لیسونل ژوسپین، سیاست‌هایی متفاوت را دنبال می‌کند. این تمایز، ویژگی تاریخی فرانسه است، به ویژه در برابر روندهایی که ریشه آن به کشورهای آنگلوساکسون باز می‌گردد.
در حالی که محدودیت امکانات دولت‌های ملی برای دخالت در اقتصاد آشکارتر از همیشه است، اتحادیه اروپا که نخستین آزمون بزرگ یک دولت فدرالی است، در سال ۱۹۹۹ به بحران فساد دامن‌گیری غوطه‌ور شد که به استغای همه اعضای کمیسیون (دولت) اروپا